

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم «اسیر»

سودای غربت

چه سخت است در ملک اغیار بودن
به پا ، نیش خار حقارت خلیدن
به ادبار ، بار مذلت کشیدن
ز اوج سعادت فرو اوفتادن
ز هر زخم چشمی به دل تیر خوردن
به هر محفلی خویش را کم شمردن
به دل داشتن محنت تنگدستی
سخنهای پائین و بالا شنیدن
ز هر رنگ گل بارها خار خوردن
نه آزاد گفتن ، نه دلشاد خفتن
درین ملک سودا و وسواس کم نیست
ترا تا ببینند دیوانه خوانند
به بازار مکارگان پا نهادن
به سر ، تا به قعر غم و درد رفتن
عزیزان خود مفت از دست دادن
چنین است آزردهای غربت

غریب و دل افگار و بیمار بودن
چنان زار بودن ، چنین خوار بودن
به دوش همه دوستان بار بودن
به کنج مصیبت نگونسار بودن
به هر گوشه در آستین مار بودن
به هر دیده بی قدر و مقدار بودن
به سودای عالم گرفتار بودن
چو لرزنده شمشاد، بی بار بودن
به چشمان همسایگان خار بودن
نه در خواب بودن ، نه بیدار بودن
دچار چنین رنج بسیار بودن
چه لازم درین ملک هشیار بودن
به ناچار آنجا خریدار بودن
به امید روز قرحبار بودن
درین حسرت ، آزرده و زار بودن
که بی پا و سر بر سر دار بودن

چه خوب است با این همه نامرادی بهم دوست بودن، بهم یار بودن
"اسیر" این نصیحت به یاران ضرورست
وطندار خود را مددگار بودن

(بن - المان، جنوری ۱۹۹۹ع)